

فقیهان و انقلاب ایران

یک نسل پس از آیت الله العظمی بروجردی

سیدهادی طباطبایی

۱۳۹۸

فهرست

۱۳ مقدمه
۲۷ سیاستِ حکیمانهٔ سید محسن حکیم
۲۸ مواجهه با حکومت
۳۶ سیاستِ مهاجرت
۳۸ مباحثه با امام بر سر انقلاب
۴۲ سکوتِ سیاسی آیت‌الله حکیم
۴۲ دوری از وقایع ایران و القانات بیرونی
۴۴ عدم حمایت مردمی
۴۶ سلطه حاکمیت بعثی
۴۸ پروای دم‌آلود مسلمانان
۴۸ بیم تفرقه در مرجعیت
۵۰ چالش در بیتِ آیت‌الله
۵۲ ارتباط حضرات حکیم و خمینی
۵۸ اختلاف میان حامیان آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حکیم
۶۰ اختلافی دوباره در سال‌های پایانی حیات آیت‌الله حکیم

۱۳۲	حمایت از زندانیان
۱۳۵	مواجهه حاکمیت پهلوی با آیت‌الله میلانی
۱۴۰	ترور حسنعلی منصور و حواشی آن
۱۴۹	سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی؛ تلاش برای حفظ شریعت و
۱۵۰	تلاش برای حفظ شریعت و انضباط کشور
۱۶۰	دیدار با سران حاکمیت
۱۶۲	اقدامات حکومت پهلوی در تضعیف آیت‌الله مرعشی
۱۶۳	روابط آیت‌الله با انقلابیون
۱۶۶	نرمش‌های سیاسی آیت‌الله مرعشی در مواجهه با حاکمیت پهلوی
۱۷۱	سید محمد رضا گلپایگانی؛ قُعود اعتراضی یک مرجع
۱۷۳	همراهی‌های محدود با انقلابیون
۱۷۸	اعتراض‌های آیت‌الله به سردی می‌گراید
۱۸۱	مخالفت‌ها با آیت‌الله گلپایگانی
۱۸۸	ماجرای عدم مهاجرت به تهران
۱۹۳	حمله به بیت آیت‌الله
۱۹۴	ارتباط مرحوم گلپایگانی و امام خمینی
۱۹۶	حفظ حوزه، اولویت آیت‌الله
۲۰۳	میرزا هاشم آملی؛ وارسته‌ای در حاشیه سیاست
۲۰۴	سال‌های ۴۱ و ۴۲
۲۰۶	همراهی با امام
۲۰۸	اعتراض علیه آیت‌الله
۲۱۰	بیت آیت‌الله، پناه انقلابیون
۲۱۱	در آستانه انقلاب

۶۵	سید احمد خوانساری؛ سیاست محتاطانه فقیه پایتخت
۶۶	سلوک محتاطانه
۶۸	رابط میان روحانیت و حاکمیت
۷۴	همراهی‌های محدود با انقلابیون
۷۵	ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۷۸	مواجهه با رفراندوم شاهانه
۸۰	واقعه ۱۵ خرداد
۸۱	مشی سیاسی مقابل انقلابی‌گری
۸۴	مخالفت انقلابیون با آیت‌الله خوانساری
۸۸	روابط امام خمینی و آیت‌الله خوانساری
۹۲	در آستانه انقلاب
۹۵	سید عبدالله شیرازی و مشی مبارزاتی از نجف تا مشهد
۹۶	حمایت از انقلابیون در نجف
۹۹	حضور در ایران
۱۰۲	در آستانه انقلاب
۱۰۴	حمله به بیت آیت‌الله
۱۰۷	رعایت انصاف در اوج مبارزات
۱۱۱	سید محمد هادی میلانی؛ از جسارت‌های انقلابی تا دل‌سردی سیاسی
۱۱۵	اعتراض‌ها به حاکمیت پهلوی
۱۲۰	دوری از جنجال‌آفرینی
۱۲۲	فروکش کردن اقدامات انقلابی
۱۲۸	ارتباط با امام

۳۱۷	سید حسن طباطبایی قمی و سیاست تاسی از سلف صالح
۳۱۸	پناه و پایگاه انقلابیون در مشهد
۳۲۰	اعتراض به حاکمیت پهلوی
۳۲۷	اعتصاب، شیوه مبارزاتی آیت الله
۳۲۹	ترویج شایعات علیه آیت الله
۳۳۳	هدف بزرگ آیت الله از مبارزات
۳۳۴	مواجهه با امام
۳۳۷	روایاتی از اختلاف آیت الله قمی و امام پیش از انقلاب
۳۴۵	سید محمد روحانی؛ آنکه با امام و انقلاب بر سر مهر نبود
۳۴۶	واکنش‌های محدود علیه حاکمیت پهلوی
۳۴۸	مواجهه با امام خمینی
۳۵۲	مخالفت یاران امام با آیت الله روحانی
۳۶۲	ریشه اختلافات
۳۶۷	کتابنامه
۳۸۱	نمایه

۲۱۵	سید ابوالقاسم خویی؛ از بیانیه‌های آتشین تا فروکش کردن اقدامات انقلابی
۲۱۶	اوج فعالیت‌های سیاسی
۲۱۸	ماجرای فیضیه
۲۲۰	بالاگرفتن التهاب سیاسی و حضور فعال آیت الله خویی
۲۲۴	روابط امام خمینی و آیت الله خویی
۲۳۱	اختلاف میان طرفداران امام خمینی و آیت الله خویی
۲۳۹	دیدار با فرح پهلوی
۲۴۷	ماجرای اخراج ایرانیان از عراق
۲۵۰	در آستانه انقلاب ۵۷
۲۵۴	گزارش ساواک از مواضع سیاسی آیت الله خویی در آستانه انقلاب
۲۵۷	دلایل عدم مداخله سیاسی
۲۶۷	سید محمد کاظم شریعتمداری؛ در سودای تحقق قانون
۲۶۸	همراهی محدود با انقلابیون
۲۷۱	آیت الله شریعتمداری از مبارزه پای پس می‌کشد
۲۷۶	دیدار با دربار
۲۸۰	مواجهه امام خمینی و آیت الله شریعتمداری
۲۸۶	مواجهه منتقدان آیت الله شریعتمداری با وی
۲۹۵	ماجرای لیلۃ الضرب
۲۹۸	تدریس آیت الله
۳۰۰	دارالتبلیغ
۳۱۰	حمله به بیت آیت الله
۳۱۲	اجرای قانون؛ خواسته‌ی آیت الله
۳۱۵	دین و سیاست در نظر آیت الله

آیت‌الله‌العظمی بروجردی که در قم چشم از جهان فروبست، در نجف بانگ مرجعیت برخاست. سید محسن حکیم داعیه‌دار آن بود.^۱ محمد رضا شاه پهلوی هم بی‌تمایل نبود که زعیم شیعیان، این‌بار نه در چند کیلومتری تهران، که در خارج از مرزهای ایران حضور داشته باشد. شاید به زعم او، دوری مرجعیت از مرکز حکومت، دوستی بیشتری را فراهم می‌آورد.

شاه پهلوی نامه تسلیتی به آیت‌الله حکیم نوشت و درگذشت سید حسین طباطبایی بروجردی را تسلیت گفت. «شما جانشین امام زمان (عج) هستید. اعلم علمای کره زمین هستید، حجت خدا هستید».^۲

نامه‌ای که با این تعبیر همراه بود، آرزوها در خود می‌پروراند.^۳ آرزویی که عدم دخالت مرجعیت را در سیاست ایران امید می‌برد. این سودای شاه پهلوی اما واهی می‌نمود و مرجعیت شیعیان اگر به خارج از ایران هم منتقل می‌شد، اما مرجع کنونی نجف به وقایع ایران بی‌تفاوت نماند.^۴

مواجهه با حکومت

سید محسن حکیم در نجف رحل اقامت افکنده بود. در ایران اما حاکمیت پهلوی بر آن بود تا رضایت مرجعیت نجف را به دست آورد. سید محسن نیز اگر چه از

۱. هاشمی رفسنجانی بر این باور است که پس از درگذشت مرحوم بروجردی، در قم رغبتی به آقای حکیم نشان داده نشد و بیشتر به آسید عبدالهادی شیرازی متمایل شدند. (خاطرات هاشمی رفسنجانی، ج اول، دوران مبارزه، ص ۱۱۶)

۲. نامه محمد رضا شاه به آیت‌الله حکیم، به نقل از خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی کرمانی، ص ۱۲۹

۳. حامیان امام، پیام تسلیت شاه به آیت‌الله حکیم را منافقانه و به منظور مرجع تراشی لقب داده بودند. (رک گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عمید زنجانی، ص ۲۵۳)

۴. علی امینی در خاطراتش، ارسال تلگراف شاه به آیت‌الله حکیم را اشتباه دانسته بود. وی گفته بود محل مرجعیت شیعه از سال‌ها پیش به شهر قم منتقل شده بود و اکثریت شیعه و مراجع تقلید مایل بودند که مرجع، فارسی زبان باشد در حالی که حکیم عراقی و عرب زبان بود. (نقل از در دامگه حادثه، پی‌نوشت ص ۸۴)

در مدارا و مسالمت با حاکمیت پهلوی مواجه می‌شد اما نصیحت مشفقانه و بعضاً تهدیدهای آمرانه را فرو نمی‌نهاد.

وی انتقاداتی بر حاکمیت پهلوی داشت؛ اما بر این باور بود که حضور شاه در کشور بر گزینه‌های دیگر ارجحیت دارد. وی در اولین دیدارش با امام خمینی گفته بود: ما نمی‌خواهیم شاه ایران را تقدیس کنیم، اما می‌گوییم وی بودنش برای پاسداری از شرّ کمونیسم بهتر است؛ شاه با کمونیسم مبارزه می‌کند و نباید تضعیف گردد.^۱

حضور پادشاهی که بتواند اسلام را از نفوذ مکاتب دیگر رهایی بخشد، اولویت آیت‌الله بود. وی این ایده خود را با شاگردانش نیز در میان نهاده بود.

درس آموزان حکیم هم بر همین رویه استاد خود پای می‌فشردند. شیخ محمد مهدی شمس‌الدین - روحانی بلند پایه لبنان که سال‌ها در محضر حکیم درس آموخته بود - تأکید می‌کرد که مذهب شیعه صرفاً باید از جانب دولت شاهنشاهی ایران تقویت شود.^۲

در مواردی حتی اطرافیان مرحوم حکیم برای محمد رضا شاه پهلوی دعا می‌کرده‌اند. گفته می‌شود زمانی که از سوی شاه ایران، ضریح مطلقای حضرت ابوالفضل العباس (ع) را به عراق بردند آیت‌الله حکیم نیز به کربلا رفت و داماد ایشان برای شاه پهلوی دعا کرد.^۳

مرحوم حکیم بر این باور بود که ایران کشوری شیعی است و تضعیف شاه شیعی به صلاح مُلک و ملت نیست. روزنامه‌ها و مجامع خبری که از این رویکرد آیت‌الله حکیم واقف بوده‌اند نیز بارها کوشیدند تا ایشان را از حامیان اصلی شاه پهلوی جلوه دهند. در پاره‌ای موارد هم به این هدف خود نائل آمدند. در ماجرای

۱. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، مصاحبه با حجت‌الاسلام آل اسحاق، نقل به مضمون، ص ۴۰
آیت‌الله حکیم، خود نیز در عراق با کمونیسم دست به گریبان بود.

۲. یاران امام به روایت اسناد ساواک، امام موسی صدر، ج ۳، ص ۲۹۲

۳. تاریخ شفاهی انقلاب ایران، ج دوم، ص ۴۰